

Explaining the Geo-Economic Opportunities of the Islamic Republic of Iran in the Post-War of Syria

Afshin Mottaghi*
Saeed Rajabi**

Abstract

Different countries play a multi-dimensional role in the foreign policy strategies of regional and global players by taking advantage of their different geographical features. Syria is not an exception to this rule and due to its various geographical, economic, cultural and political specialties, it has a multi-dimensional position in the sphere of foreign policy of Islamic Republic of Iran has played. Despite the fact that Syria's strategic position in the axis of resistance has affected other dimensions of the importance of this country; however, Syria has high geo-cultural and geo-economic capacities, which can turn into active and multi-faceted activism in Iran's foreign policy strategies in the future if given serious attention. This study seeks to answer the question, what are the most important geo-economic opportunities of Iran in the post-civil war environment of Syria using a descriptive-analytic method and using various library sources. The findings indicated that Syria has various geo-economic capacities such as the location in the Iran-Iraq-Syria-Europe energy corridor (Persin Pipe), the Persian Gulf-Mediterranean land corridor, and also a suitable environment for Iran investment in the oil and mining sectors, with paying attention to Syria's need for extensive reconstruction after the civil war. In fact, Syria can be considered as Iran geo-economic complement in the field of energy export as well as access to European bases.

Keywords: Geo-Economy, Iran, Syria, Civil War, Reconstruction of Syria.

Article Type: Research Article.

Citation: Mottaghi, Afshin & Rajabi, Saeed (2022). Explaining the Geo-Economic Opportunities of the Islamic Republic of Iran in the Post-War of Syria, *International Political Economy Studies*, 5 (1), 201-227.

* Associate Professor of Geopolitics, Dept. of Geopolitics, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author), a.mottaghi@khu.ac.ir

** PhD student of Political Geography, Dept. of Geopolitics, Faculty of Geographical Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

International Political Economy Studies, 2022, Vol. 5, Issue 1, pp. 201-227.



Copyright © The Authors
Publisher: Razi University.

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه

افشین متقی *

سعید رجبی **

چکیده

کشورهای مختلف به فراخور ویژگی‌های متفاوت جغرافیایی که دارند، نقشی چندبعدی در راهبردهای سیاست خارجی بازیگران منطقه‌ای و جهانی ایفا می‌کنند. سوریه نیز از این قاعده مستثنا نیست و با توجه به اختصاصات مختلف جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که دارد، جایگاهی چندبعدی در سپهر سیاست خارجی ج.ا.ایران ایفا کرده است. با وجود اینکه موقعیت راهبردی سوریه در محور مقاومت دیگر ابعاد اهمیت این کشور را متأثر ساخته است، با این حال سوریه از ظرفیت‌های ژئوکالچری و ژئواکونومیکی بالایی برخوردار است که در صورت توجه جدی می‌تواند به کنش‌گری فعال و چندسویه در راهبردهای سیاست خارجی ایران در آینده بدل شود. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع مختلف کتابخانه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش است که مهم‌ترین فرصت‌های ژئواکونومیکی ایران در فضای پساجنگ داخلی سوریه کدامند؟ یافته بیانگر آن است که سوریه دارای ظرفیت‌های ژئواکونومیکی مختلفی همچون قرارگیری در کریدور انرژی ایران-عراق-سوریه-اروپا (پرسین پایپ)، کریدور زمینی خلیج فارس-مدیترانه و همچنین محیط مناسبی برای سرمایه‌گذاری ایران در بخش‌های نفت و معادن، با توجه به نیاز سوریه به بازسازی‌های گسترده بعد از جنگ داخلی است. در واقع سوریه را می‌توان مکمل ژئواکونومیک ایران در حوزه صدور انرژی و همچنین دسترسی به بازارهای اروپایی دانست.

کلیدواژه‌ها: ژئواکونومی، ایران، سوریه، جنگ داخلی، بازسازی سوریه.

نوع مقاله: پژوهشی.

* دانشیار ژئوپلیتیک، گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول)، A.mottaghi@khu.ac.ir

** دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

۱. مقدمه

سوریه در راهبردهای کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره مهره‌ای کلیدی بوده است. هرچند پیوند ایران و سوریه به پیش از سال‌های پیروزی انقلابی اسلامی ایران بازمی‌گردد، اما بعد از سال‌های نخستین پس از پیروزی انقلاب اسلامی بود که جمهوری عربی سوریه در راهبردهای سیاست خارجی منطقه‌ای ایران اهمیتی فراوانی یافت و تا به امروز نه تنها از اهمیتش کاسته نشده است بلکه جایگاهی چندبعدی و مهم در ماتریکس منطقه‌ای ج.ا. ایران کسب کرده است. اهمیت ژئوپلیتیکی سوریه، ابعاد مختلف ژئواستراتژیک، ژئوکالچری و ژئواکونومیکی دارد که هرکدام از این‌ها موضوعی مجزا و متفاوت به‌شمار می‌روند. از بعد ژئواستراتژیک سوریه مهره مهمی در حلقه متحدان منطقه‌ای ج.ا. ایران یا همان محور مقاومت به‌شمار می‌رود و به‌نوعی نقش عقبه پشتیبان حزب الله و حماس را ایفا می‌کند. در بعد ژئوکالچری ارتباط با کشوری عرب و مسلمان برای ج.ا. ایران که مورد هجوم جهان عرب واقع شده است اهمیت بالایی دارد. با این حال سوریه در گذشته به شکل محدود و احتمالاً در آینده اهمیت ژئواکونومیکی بالایی در راهبردها کلان سیاست خارجی ایران کسب خواهد کرد.

سوریه با توجه به ویژگی‌هایی جغرافیایی که دارد واجد مجموعه‌ای از ظرفیت‌های ژئواکونومیکی است که می‌تواند به‌عنوان مکمل ژئواکونومیک ایران در منطقه ایفای نقش کند. ظرفیت‌های اقتصادی سوریه تاکنون تحت‌الشعاع نگاه امنیتی ایران به مسائل منطقه‌ای قرار گرفته است با این حال مجموعه رخدادهایی زمینه تغییر نگاه ایران را سبب شده است از این رو بررسی ظرفیت‌ها و الزامات ژئواکونومیکی سوریه در فضای پساجنگ داخلی اهمیت می‌یابد. هرچند صحبت از آینده در جغرافیای آشوب‌زده خاورمیانه که به‌سرعت در حال تغییر است امری مشکل است اما شواهد و قرائن کنونی نشان از پیروزی حکومت اسد به‌عنوان متحد ج.ا. ایران و استقرار نسبی ثبات در این کشور دارد. با مفروض گرفتن تداوم این وضعیت، در این مقاله در پی تبیین مؤلفه‌های ژئواکونومیک ج.ا. ایران در این کشور در آینده است. اینکه سوریه چه جایگاهی در سیاست‌های اقتصادی جغرافیا پایه، یا راهبرد ژئواکونومیکی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت. از این رو در ابتدا با ذکر مختصری از

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پسا جنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۰۳

پیشینه پژوهش، مطالعات انجام شده در این حوزه را بررسی کرده سپس به واکاوی مفهومی ژئواکونومی به عنوان چارچوب نظری پژوهش خواهیم پرداخت. طرح یافته‌های پژوهش، تجزیه و تحلیل یافته‌ها و در پایان نتیجه‌گیری و ذکر منابع دیگر بخش‌های پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند.

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیکی سوریه در سیاست خارجی ج.ا.ایران ادبیات گسترده‌ای تولید شده است که در آن‌ها، مباحث مرتبط با نقش و جایگاه سوریه در محور مقاومت و جبهه مبارزه با اسرائیل غلبه دارند. افضل‌ی و همکاران، در مقاله‌ای با عنوان بررسی و تحلیل پیامدهای ژئوپلیتیکی بحران سوریه بر امنیت ملی ج.ا.ایران، ضمن پرداختن به این موضوع که کنش‌های ژئوپلیتیکی عاملی تعیین‌کننده در مناسبات خارجی و فرامرزی کشورها و نیز معادلات پیچیده نظام بین‌الملل است معتقدند تحولات سوریه الزاماتی جدیدی در سیاست خارجی کشورها از جمله ایران پدید آورده است. آن‌ها ضمن پرداختن به روابط تاریخی و اتحاد راهبردی ایران و سوریه به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی و جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک سوریه برای ایران، معتقدند در صورت سقوط حکومت اسد و قدرت‌گیری رقبا و دشمنان محور مقاومت، جایگاه و نفوذ منطقه‌ای ایران تضعیف می‌شود و می‌تواند به صورتی دومینووار موجب فروپاشی سایر دولت‌ها و گروه‌های محور مقاومت شود (افضل‌ی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴۵).

بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای ج.ا.ایران از مرادی و شهرام‌نیا نیز در پی کنکاش تأثیرات بحران سوریه بر امنیت منطقه‌ای ایران است. نتایج بیانگر آن است که با تداوم بحران سوریه، امنیت منطقه‌ای ایران با تهدیداتی همچون؛ تضعیف محور مقاومت، شکل‌گیری منازعه گفتمانی و تشدید تنش‌های فرقه‌ای و مذهبی، برهم خوردن ساختار قدرت و موازنه قوا و بالا گرفتن رقابت تسلیحاتی در منطقه مواجه خواهد شد (مرادی و شهرام‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۲۶). بازرگان و پوراحمدی میدی در مقاله‌ای با عنوان، ابعاد سیاسی و امنیتی حمایت از سوریه در سیاست خارجی ج.ا.ایران (۲۰۱۱-۲۰۱۷) معتقدند، سوریه به دلیل برخورداری از

عمق استراتژیک منطقه‌ای و اعمال بازدارندگی مقابل تهدیدهای موجود به‌ویژه اسرائیل، علوی (شیعی) بودن دولت سوریه و نقش مهمش در محور مقاومت، نه تنها دارای ابعاد ایدئولوژیک اسلامی - شیعی و مقاومتی است بلکه ابعاد مهم ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیک و امنیتی نیز دارد (بازرگان و پوراحمدی میبیدی، ۱۳۹۷: ۱۰۶).

با این حال مطالب اندکی درخصوص اهمیت ژئواکونومیکی سوریه در دسترس است. قصاب‌زاده و همکاران در مقاله‌ای با عنوان تحلیل ژئواکونومی ج.ا. ایران در معادلات جدید منطقه جنوب غرب آسیا، معتقد که ایران به لحاظ قرار گرفتن بین دو حوزه مهم دریای کاسپین و خلیج فارس و دارا بودن منابع سرشار انرژی نفت و گاز و سایر ذخایر زیرزمینی و قابلیت‌های اقتصادی دیگر، در قلمروهای ژئواکونومی جدید، دارای نقشی بی‌بدیل در منطقه جنوب غرب آسیا و خلیج فارس است اما از رهبری ژئوپلیتیکی منطقه و قدرت تأثیرگذاری بر سیاست انتقال انرژی برخوردار نیست (قصاب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۱). از مهم‌ترین و نزدیک‌ترین پژوهش‌های در زمینه جایگاه ژئواکونومیک سوریه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌توان به کتاب *درمقابل همه احتمالات: پویایی پیچیده بازسازی سوریه* اشاره کرد که فصل دومش «ژئواکونومیک؛ ایران و روسیه در سوریه» به موضوع هم‌پوشانی و تعارضات ژئواکونومیکی ایران و روسیه در آن کشور پرداخته است. از نظر نگارندگان استراتژی ژئواکونومیکی ایران در قبال سوریه از دو عامل متأثر است. نخست: اولویت‌های نظامی مربوط به امنیت حزب‌الله و موضع‌گیری علیه اسرائیل؛ دوم، ملاحظات اقتصادی سیاسی به نفع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران. در ادامه به‌منظور اثبات این دیدگاه ذکر شواهد و مثال‌های مختلف ذکر می‌شوند (Imady et al, 2019).

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه در دسترس (مکتوب و اینترنتی) در پی ارائه تبیینی جامع از فرصت‌های ژئواکونومیکی پیش روی ج.ا. ایران در فضای پساجنگ داخلی در جمهوری عربی سوریه است.

۴. بنیادهای مفهومی پژوهش

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات عمده‌ای در حوزه مفهومی ژئوپلیتیک روی داد

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پسا جنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۰۵

به گونه ای که ژئوپلیتیک از رهیافت‌های نظامی و ژئواستراتژیک، رویکردی ژئواکونومیک یافت (پوراحمدی و حسینی کرانی، ۱۳۸۸: ۱۰۴). ژئواکونومی به عنوان بخشی از دانش از ژئوپلیتیک کلاسیک تلقی می‌شود. به عبارت دقیق‌تر، می‌توان آن را به عنوان گستره‌ای از حوزه ژئوپلیتیک که بر روابط اقتصادی بین‌المللی اعمال می‌شود، درک کرد (Jaeger & Brites, 2020: 24). از نظر لوتواک، رقابت بین کشورها با خاتمه رویارویی استراتژیک بین ابرقدرت‌ها به پایان نمی‌رسد بلکه رقابت‌ها به طور فزاینده‌ای از حوزه استراتژیک و نظامی به حوزه‌های اقتصادی منتقل می‌شود (Scekic et al, 2016: 68) در این زمان، جهان شکل تازه‌ای یافت که درگیری‌های مسلکی در ابتدا نقش چندانی در آن نداشت؛ بنابراین به ارتباط میان اقتصاد و ژئوپلیتیک از نو اندیشیده شد. به صحنه آمدن واژه ژئواکونومی موجب شد برخی سیاست پردازان، از این مفهوم تعبیر جنگ اقتصادی داشته باشند و از این راه بر نقش اقتصاد در تحلیل سیاست دولت‌ها تأکید کنند (پاسکال و توال، ۱۳۸۱: ۱۰۱-۱۰۲).

ژئواکونومی می‌تواند به دو صورت متفاوت تعبیر شود اول رابطه بین سیاست‌های اقتصادی و تغییر در قدرت ملی و ژئوپلیتیک یا به عبارت دیگر نتایج ژئوپلیتیک پدیده‌های اقتصادی و دوم نتایج اقتصادی روندها در ژئوپلیتیک و قدرت ملی است (www.iiss.org/en/events). از نظر رابرت وارد و یوکا کوشینو، موسع‌ترین تعریف ژئواکونومی به معنای به کارگیری قدرت اقتصادی برای دستیابی به اهداف راهبردی است (www.scfr.ir).

هرچند تأثیر متقابل اقتصاد، سیاست و جغرافیا بر یکدیگر در طول تاریخ بشری همواره وجود داشته است و موقعیت جغرافیایی تعیین کننده وجود منابع طبیعی، قلمرو، فاصله، آب و هوا و سایر عوامل مهم در توسعه اقتصادی کشورها بوده است (Gasimli, 2015: 10)؛ اما اصطلاح «ژئواکونومی» برای نخستین بار توسط ادوارد لوتواک در سال ۱۹۹۰ در مقاله «از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی: منطق تعارض، دستور زبان تجارت» (From Geopolitics to GeoEconomics: Logic of Conflict, Grammar of Commerce) استفاده شد (Jaeger & Brites, 2020: 24). ادوارد ان. لوتواک در سال ۱۹۹۰، پارادایم ژئواکونومی را با مفهومی گسترده وارد روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک و سایر دانش‌های سیاسی مرتبط با تحلیل‌های

کلان بین‌المللی کرد.

این متفکر خبر از فرا آمدن نظام نوین بین‌المللی در دهه ۹۰ داد که در آن مؤلفه‌های اقتصادی جایگزین اهداف نظامی و ژئواستراتژیک می‌شوند به عقیده وی عامل منازعات و درگیری‌های قرن بیستم در قرن حاضر (بیست و یکم) دیگر موضوعات قرن گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنشی یک عامل اقتصادی خودنمایی می‌نماید (کمپ و هارکاوی، ۱۳۷۳: ۱۰۷). ژئواکونومی به استفاده از ابزارهای اقتصادی برای ارتقاء و دفاع از منافع ملی کشور و همچنین خلق مزیت‌های ژئوپلیتیکی اشاره دارد (Pu, 2016: 115). ژئواکونومی مقوله‌های رشد و توسعه اقتصادی، تجارت خارجی، سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، بدهی خارجی، وابستگی اقتصادی و غیره را مورد بحث قرار می‌دهد (Scekic et al, 2016: 70).

ژئواکونومی یک مفهوم مورد مناقشه است. اصطلاح ژئواکونومی با وجود کاربرد زیاد، هنوز تعریف دقیق و مشخصی ندارد برخی ژئواکونومی را استفاده از قدرت ژئوپلیتیک یا نظامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی می‌دانند، برخی دیگر تعریف موسعی دارند و آن را درهم تنیدگی اقتصاد بین‌الملل، ژئوپلیتیک و استراتژی می‌دانند، برخی دیگر بر تجارت و حمایت از صنایع داخلی بدون در نظر گرفتن جنبه‌های ژئوپلیتیکی تأکید می‌کنند، گروهی بر استفاده از این واژه را برای بررسی سنتی تجارت بین‌الملل و تحریم‌ها محدود می‌کنند (مختاری هشی، ۱۳۹۷: ۵۸). آنچه در تلاش‌های اخیر برای تعریف مفهوم ژئواکونومی معمول به نظر می‌رسد این است که تقریباً در رابطه با مفهوم ژئوپلیتیک مورد بحث قرار می‌گیرد (Moisio, 2019: 1). ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دفاع از منافع ملی و تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر ملت‌ها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور است (blackwill & harris, 2016: 20).

ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته و به نظر می‌رسد سیاست که عامل مهمی در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است (عزتی و ویسی، ۱۳۸۵: ۲۹). ژئواکونومی؛ مطالعه اثرگذاری عوامل یا زیربنای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای یا جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای و یا جهانی تعریف می‌شود

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پسا جنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۰۷

(مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۳۰). با وجود فراوانی تعاریف مفهوم ژئواکونومی، آنچه مبنای این کار پژوهشی است، ژئواکونومی را مجموعه‌ای از مقدمات و محذورات اقتصادی، جغرافیا پایه‌ای می‌داند که نه تنها به استراتژی کشورها جهت می‌دهد بلکه موجبات افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشورها را نیز فراهم می‌کند.

۵. یافته‌های پژوهش

روابط سوریه و ایران که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل قرار داشتن دو کشور در دو اردوگاه شرق و غرب سرد بود، با اتخاذ موضع ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی نظام جدید تهران، به سرعت بهبود یافت (Gelbart, 2010: 40) و سوریه به یکی از دوستان و متحدان منطقه‌ای ایران در قالب محور مقاومت بدل گشت. با این حال در تمامی این سال‌ها رویکرد ایدئولوژیک بر روابط دو کشور غلبه داشته و اقتصاد کمتر مورد توجه طرفین قرار گرفته است. مجموعه تحولاتی همچون تشدید تحریم‌ها بین‌المللی علیه ایران از یک سو و وقوع جنگ ویرانگر داخلی در سوریه که دو کشور را بشدت متأثر ساخت، الزامات نوینی پیش روی آن‌ها پدیدار ساخته است که لزوم بازتعریف روابط فی‌مابین را ناگزیر می‌سازد. در واقع با تغییر اوضاع و احوالی باید دیپلماسی اقتصادی جایگزین دیپلماسی امنیتی شود و الزامات اقتصادی جایگزین ملاحظات سیاسی - امنیتی شوند. دیپلماسی اقتصادی، استفاده از ابزارهای سیاست بین‌المللی برای به دست آوردن اهداف اقتصادی است (Colsear, 2004: 63). اتخاذ تحریم‌های گسترده علیه ج.ا.ایران زمینه‌ساز توجه به الزامات ژئواکونومیکی در سیاست خارجی کشور شد. در چنین جهان‌بینی اقتصادمحوری است که اختصاصات ژئواکونومیکی سوریه پدیدار می‌شوند. در ذیل به مهم‌ترین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در سوریه پسا جنگ داخلی خواهیم پرداخت.

۵-۱. ایجاد کردور انتقال انرژی به مدیترانه

ژئوپلیتیک با توجه به متغیرهای متفاوتی قابل بررسی است؛ با توجه به وجود منابع طبیعی موجود در یک منطقه، صنایع استخراج و توانایی بهره‌برداری از این منابع (Mercille, 2010: 329). در واقع منابع یکی از عناصر قدرت‌ساز ژئوپلیتیکی به‌شمار می‌روند و در بین منابع

مختلف، موضوع ژئوپلیتیک انرژی و امنیت استراتژیک منابع انرژی به‌عنوان مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در تعیین استراتژی‌های جهانی و منطقه‌ای مطرح می‌شود (منیری و نصرتی، ۱۳۹۰: ۹۷). در فضای ژئواکونومیک فعلی جهان که انرژی، محور سیاست و استراتژی کشورهای بزرگ و صنعتی است، اصلی‌ترین فشار برای تصاحب آسان منابع آن، روی کشورهای اطراف حوزه خلیج فارس و سپس خزر است. ایران به‌دلیل قرارگرفتن میان این دو حوزه و داشتن رتبه دوم ذخایر نفت و گاز جهان به‌عنوان بازیگر تأثیرگذار نقش مهمی در استراتژی جهانی ژئوپلیتیک انرژی پیدا کرده است (گل‌افروز، ۱۳۹۴: ۲۲۴).

ایران از یک‌سو دومین کشور دارنده ذخایر گازی در جهان است به‌طوری که ذخایر گازی اثبات‌شده فعلی کشور ایران، ۲۸ تریلیون متر مکعب برآورد شده است که این مقدار، ۱۶٪ کل ذخایر گازی جهان را شامل می‌شود؛ از دیگر سو ایران همانند ترکیه موقعیت ژئوپلیتیک مناسبی در منطقه دارد. ایران سرزمینی میان دو منطقه سرشار از انرژی (دریای خزر و خلیج فارس) است. موقعیت خاص جغرافیایی و موقعیت ژئواکونومیک ایران این امکان را برای تهران فراهم ساخته که بتواند به‌عنوان گزینه انکارناپذیر و قطب ترانزیت انرژی منطقه نقش معتبری ایفا کند (موسوی شفائی و زمردی انباجی، ۱۳۹۶: ۱۶۳-۱۶۴).

ایران خواهان صادرات ذخایر گازی خود به اروپا است زیرا ایران نیز درصدد است به منظور بازیابی موقعیت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک خود بازارهای مناسب را هدف قرار دهد که شرایط ذیل را داشته باشند؛ اولاً بازار هدف باید امنیت تقاضا را برای درازمدت تأمین کند تا بازگشت هزینه‌های سرمایه را شاهد باشد؛ دوم، سرمایه‌گذاری و اهداف اقتصادی و درآمدزایی طرح تأمین شود و هم اهداف برنامه و استراتژی‌های بلندمدت تحقق پیدا کند؛ سوم، بازار هدف باید امکان جذب سرمایه، فناوری و همکاری شرکت‌های بین‌المللی را برای توسعه ذخایر عظیم گاز کشور فراهم سازد؛ چهارم، بازار هدف باید تأثیرگذار در روابط بین‌المللی و در جهت تقویت امنیت ملی کشور باشد؛ پنجم، بازار هدف باید در جهت تقویت همبستگی و همگرایی کشور ما و کشور هدف باشد. کشورهای اروپایی با توجه به امکان تأمین سرمایه و فناوری و تأثیرگذاری در روابط بین‌الملل و کشورهای منطقه مناسب هستند؛ بنابراین صادرات گاز یک استراتژی ژئوپلیتیکی است که

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۰۹

منجر به افزایش همکاری و اشتراک منافع ایران با کشورهای منطقه و کشورهای اروپایی می‌شود (موسوی شفقانی و زمردی انباجی، ۱۳۹۶: ۱۶۸).

هرچند موضوع صادرات انرژی به بازارهای اروپایی از مطلوب‌ترین گزینه‌های پیش روی اقتصاد ایران ارزیابی می‌گردد. با این حال درخصوص مسیرهای انتقال نفت اختلاف نظر وجود دارد. در بین مسیرهای مختلفی که برای انتقال گاز ایران به اروپا وجود دارد هر کدام دارای مزایا و معایبی هستند. مسیر دریایی، مسیر ترکیه از رایج‌ترین گزینه‌های پیش روی ایران هستند، با این حال تهران در پی یافتن مسیری جایگزین است. در نهایت جمهوری اسلامی ایران که به دنبال مسیری مطمئن برای احداث خط لوله و صدور گاز به اروپا از طریق متحدان خود در منطقه است، مسیر عراق - سوریه که از متحدان استراتژیک ایران در منطقه هستند را برگزید و در نتیجه یادداشت تفاهم سه جانبه ای میان ایران - عراق (۶ مرداد ۱۳۹۰) - (سوریه در ۲۵ ژوئن ۲۰۱۱) در شهر بوشهر به امضا رسید؛ که قرار شد خط لوله‌ای با ظرفیت ۱۱۰ میلیون متر مکعب گاز در روز یا ۴۰ میلیارد متر مکعب گاز در سال، در ۲۰۱۶ افتتاح شود. هزینه خط لوله اسلامی ۲ تا ۲/۵ میلیارد دلار در مدت سه سال تخمین زده بود (موسوی شفقانی و زمردی انباجی، ۱۳۹۶: ۱۶۹).



نقشه ۱. مسیر زمینی انتقال نفت و گاز ایران و کشورهای پیرامون به مقصد اروپا (Lin, 2015:2)

نقشه بالا مسیرهای خطوط انرژی از خلیج فارس و دریای خزر که به مقصد اروپا

می‌روند را نشان می‌دهد. گذشتن خطوط لوله احتمالی ایران و قطر از سوریه بیانگر اهمیت این کشور در موضوع ترانزیت انرژی به اروپاست. دلیل اهمیت استراتژیک سوریه نزد بازیگران بین‌المللی؛ توانایی سوریه برای انتقال انرژی کشورهای ایران و عراق از طریق بندرهای بانیاس و طرطوس در سواحل مدیترانه به اروپاست (Nerguizian, 2012: 84). هرچند پیشنهاد احداث خط لوله انتقال گاز طبیعی قطر از طریق حلب سوریه و ترکیه به اروپا برای اولین بار در سال ۲۰۰۹ پیشنهاد شد. با این حال، اسد این پیشنهاد را در سال ۲۰۱۱ تضعیف کرد (Lin, 2015: 2). رئیس‌جمهوری سوریه در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد، می‌خواهد قراردادی با عراق و ایران برای اجرای خط لوله اسلامی به سمت بازارهای اروپا منعقد کند (Ingpraja, 2020: 53).

سوریه همانند ترکیه، کشوری مهم در مسیر انتقال انرژی است البته در درجه‌ای کوچک‌تر. نکته اصلی و کلیدی آن است که ترکیه برای تکمیل استراتژی انرژی‌اش به سوریه نیاز دارد. سوریه دروازه ورود ترکیه به خاورمیانه است همان‌طور که دروازه ورود ایران به اروپا است؛ بنابراین نقش ترانزیتی سوریه را به‌خوبی می‌توان مشاهده کرد (موسوی شفائی و زمردی انباجی، ۱۳۹۶: ۱۶۹). سوریه دارای ساخت سیاسی متفاوت و متمایز نسبت به سایر کشورهای عرب منطقه است، زیرا تنها کشور عربی است که مناسبات مستقل منطقه‌ای و بین‌المللی دارد. این موقعیت راهبردی، چالش‌هایی همچون بی‌ثباتی و ناامنی را برای این کشور رقم زده است (Sutherland, 2013: 2).

شاید بتوان گفت کمتر عاملی همچون موقعیت سوریه در ترانزیت انرژی، بر تحولات اخیر این کشور تأثیر گذاشته است. ترکیه برای نیل هدف تبدیل شدن به کانون مبادلات انرژی اروپا، به دولتی کاملاً هم‌سو در سوریه نیازمند است، دولت بشار اسد با لغو قرارداد احداث خط لوله عرب که قرار بود گاز قطر را از عربستان و سوریه به خاک ترکیه منتقل کند؛ و امضای قرارداد احداث خط لوله اسلامی با ایران در مرداد ۱۳۹۰ شمسی، نشان داد که نه تنها شریک مطمئنی برای آنکارا نیست بلکه تهدیدی بزرگ برای سیاست تبدیل کردن آنکارا به کانون انرژی منطقه است (موسوی شفائی و زمردی انباجی، ۱۳۹۶: ۱۵۱). درمقابل

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۱۱

ایران برای یافتن مسیری قابل اعتماد در بین کشورهای هم‌پیمان، در صدد حفظ وضع موجود در سوریه و تداوم روی کار بودن دولتی متمایل به تهران برای پیشبرد سیاست‌های انرژی محور خود نیاز دارد تا بتواند بر انحصار ترانزیتی ترکیه فائق بیاید و مسیری ایمن از نظر سیاسی به بازارهای انرژی جهان بیابد.

خط لوله ایران-عراق-سوریه (IIS) که برخی منابع غربی آن را خط لوله گاز اسلامی می‌نامند، یک خط لوله گاز طبیعی پیشنهادی است که از میدان گازی میعانات گازی پارس جنوبی از طریق ایران، عراق، سوریه به اروپا منتقل می‌شود. طول خط لوله ۵۶۰۰ کیلومتر و ظرفیت حمل و نقل در روزانه ۱۱۰ میلیارد متر مکعب است. سوریه روزانه ۲۰۰۰ تا ۲۵۰۰ میلیون متر مکعب گاز طبیعی خریداری می‌کند. بخشی از گاز طبیعی از طریق سیستم حمل و نقل گاز عربستان به لبنان و اردن منتقل می‌شود. ایران قصد دارد LNG را از طریق بندر مدیترانه سوریه به اروپا صادر کند. این خط لوله رقیب خط لوله ناباکو است که از جمهوری آذربایجان به اروپا ختم می‌شود. خط لوله گاز اسلامی همچنین جایگزینی برای خط لوله قطر - ترکیه است که توسط قطر پیشنهاد شده بود تا از قطر به اروپا از طریق عربستان سعودی، اردن، سوریه و ترکیه منتقل شود (Guo et al, 2019: 832). در این مورد، ایران همان پروژه را انجام می‌دهد تا به اتحادیه اروپا کمک کند تا به عنوان تأمین‌کننده گاز طبیعی خود کمتر به روسیه وابسته باشد (Ingpraja, 2020: 55).

مسیر سوریه یک پروژه سیاسی است که برای ایران به لحاظ حمایت از یک متحد استراتژیک در خاورمیانه اهمیت دارد. وضعیت مبهم کنونی سوریه و ناامنی در عراق، آینده این مسیر را مبهم می‌نماید، زیرا اگر وضعیت کنونی درگیری‌ها در عراق و سوریه تداوم یابد، امنیت که مهم‌ترین پیش‌شرط برنامه‌های توسعه‌ای است از بین می‌رود و حتی اگر مشکل ناامنی نیز حل شود، بازهم مشکلات عمده زیرساختی برای انتقال گاز ایران وجود دارد. با این حال در شرایط کنونی به عنوان یکی از اولویت‌های صادرات گاز طبیعی ایران جهت تأمین بخشی از نیاز وارداتی گاز طبیعی عراق (هرچند اندک) به‌شمار می‌رود (ناجی میدانی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۲۱۱-۲۱۲).

کشورهای عراق و سوریه دارای ظرفیت مصرف کمی هستند و گاز ایران را برای تحقق اهداف ترانزیتی خود پیگیری می‌کنند. مسیر عراق-سوریه صرفاً از جهت متنوع سازی مسیرهای انتقال انرژی ایران به حوزه غربی اهمیت دارد و گرنه با بررسی مؤلفه های اولویت سنجی، نسبت به ترکیه به دلیل هزینه سرمایه گذاری بسیار بالا با توجه به عبور از بستر دریای مدیترانه و سپس دریای آدریاتیک جهت اتصال به بازار اروپا، مزیت اقتصادی و فنی کمتری دارد (ناجی میدانی و رحیمی، ۱۳۹۴: ۲۱۱).

هرچند بسیاری از تحلیلگران معتقدند که این طرح (خط لوله گاز اسلامی) با چالش‌های مختلف ژئوپلیتیکی که تحقق آن را در آینده کوتاه مدت و میان مدت غیرممکن می‌کند، مواجهه است (al-Khatteeb, 2013: 15)؛ اما با وجود اینکه انتقال گاز به مدیترانه از طریق عراق و سوریه، موانعی و مشکلاتی پیش رو دارد از جهاتی برای ایران حائز اهمیت است. ایران ناچار به تنوع بخشی به بازارهای صادراتی خود و مسیرهای انتقال انرژی اش است. تکیه صرف بر مسیر ترکیه، ایران را گروگان آنکارا خواهد ساخت. با وجود تمامی موانع اقتصادی، امنیتی و فنی پیش روی پروژه پرشین پایپ، احداث خط لوله ای موازی با مسیر ترکیه، در راستای منافع ملی کشور ارزیابی می‌شود. زیرا جدا از تعمیق پیوند کشورهای ایران، عراق و سوریه، ایران را تبدیل به کنش گری مستقل در حوزه انرژی می‌کند که ضمن بی‌نیازی از ترکیه و همچنین مسیرهای پرریسک دریایی (تنگه هرمز، باب المندب، سوئز)، مستقیماً، به بازارهای اروپایی متصل می‌گردد. تأمین انرژی اروپا، بر وزن ژئوپلیتیکی ایران خواهد افزود و حتی ایران را در معادلات پیش رو با مسکو در وضعیت بهتری قرار خواهد داد. جدای از این به تقویت جایگاه ایران و تضعیف رقبای منطقه ای ایران همچون قطر و ترکیه می‌انجامد.

۲-۵. بهره برداری اقتصادی از کریدور زمینی مقاومت

اهمیت کریدور خلیج فارس - مدیترانه جنبه تاریخی دارد و در دورانی بخشی از مسیر تجارت ادویه شرق به غرب بوده است. در آن زمان کالاهای تجاری از مبدأ هند و چین به بندرهای خلیج فارس حمل می‌شد، سپس از مسیر زمینی تا بنادر سرزمین شام در دریای

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پسا جنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۱۳

مدیترانه حمل می‌شد و از آنجا به مقصد اروپا بارگیری می‌شد. این مسیر کوتاه زمینی که به‌نوعی کل شبه‌جزیره عربستان را دور می‌زند. همواره اهمیت ارتباطی بالای خود را حفظ کرده است. بریتانیا نیز در دوران جنگ جهانی اول، بعد از اضمحلال امپراتوری عثمانی قصد بسط نفوذ یا سلطه بریتانیا بر نوار عریضی از دریای مدیترانه تا خلیج فارس را داشت. بریتانیا قصد داشت خط آهنی از بندری در ساحل مدیترانه تا بین‌النهرین بکشد که راه زمینی شرق را برایش فراهم می‌آورد (فرامکین، ۱۳۸۸: ۱۳۹). این مسیر چند ویژگی شاخص داشت که همچنان نیز پابرجا هستند، کوتاه‌ترین مسیر دسترسی کشورهای حوزه خلیج فارس به دریای مدیترانه و سپس بازار اروپاست. مسیرهای پر مخاطره دریایی همچون تنگه هرمز، باب‌المندب کانال سوئز را دور می‌زند و در نهایت می‌تواند در حکم بستری برای تعمیق همگرایی اقتصادی و سرانجام همگرایی سیاسی کشورهای منطقه خصوصاً ایران، عراق و سوریه ایفای نقش کند.

در سال ۲۰۱۸ ایران اعلام کرد که قصد دارد یک خط راه‌آهن متصل به خلیج فارس به دریای مدیترانه از بصره عراق و از طریق مرز در ابوکمال، سپس به سوریه به دیرالزور متصل کند. بر این اساس، اگر راه‌آهن بین سه کشور متصل شود، این یک گام مهم دیگر برای اتصال خطوط راه‌آهن چین به دریای مدیترانه از طریق ایران، عراق و سوریه خواهد بود (Castro Torres, 2021: 11). در پایان آن سال، سه کشور پیش از موافقت اولیه برای ساخت خط راه‌آهن و بزرگراهی از بصره تا بندر لاذقیه سوریه در سواحل مدیترانه را امضا کردند.

مرحله اول ساده‌ترین مرحله بود و هدف آن این بود که ایران را از طریق یک خط آهن ۳۲ کیلومتری بین شهرهای شلمچه و بصره به عراق متصل کند. در سال ۲۰۲۱، ساخت این خط راه‌آهن بین دو شهر آغاز می‌شود و عراق به سیستم راه‌آهن ایران متصل می‌شود (Castro Torres, 2021: 11). این مرحله اول با استقبال گسترده مقامات ایرانی روبه‌رو شد و حسن روحانی؛ رئیس‌جمهور وقت تأکید کرد که راه‌آهن تغییرات قابل توجهی را در منطقه ایجاد خواهد کرد. به دنبال اعلام گشایش کنسولگری ایران در حلب به وسیله محمدجواد

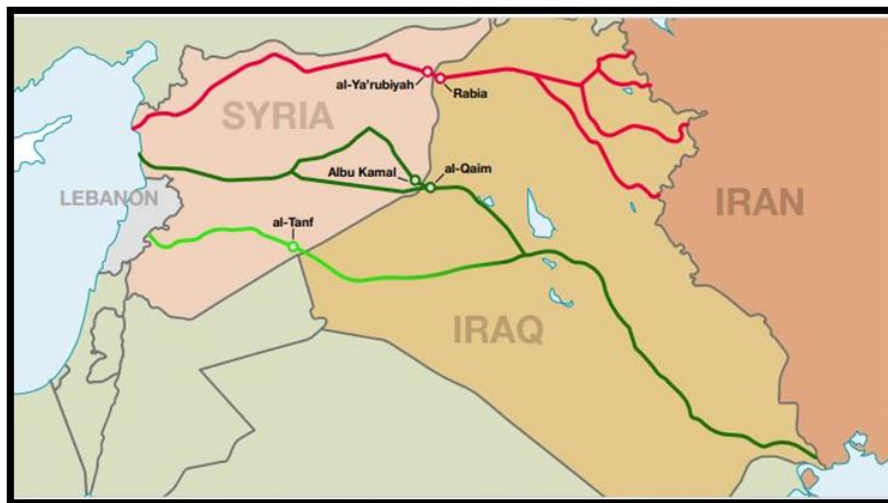
ظریف وزیر امور خارجه ایران، به نظر می‌رسد گام‌های بعدی به سمت دریای مدیترانه امکان‌پذیر است، زیرا ساخت آن‌ها در چارچوب تفاهم‌نامه‌ای است که اخیراً بین چین و ایران امضا شده است (Castro Torres, 2021: 11).

برنامه‌های بلندمدت ایران احتمالاً شامل ارتباط با مناطق مستعد برای گسترش دامنه نفوذش می‌شود، بنابراین به شبکه‌ای ارتباطی نیاز دارد که این مناطق را به هم متصل کند تا از طریق آن و با بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی به‌عنوان بازیگری در درگیری‌های آتی نقش‌آفرینی کند. این امر مستلزم ایجاد یک پل زمینی است که می‌تواند قدرت آنچه را که ایرانیان آن را محور مقاومت می‌دانند افزایش دهد. شروع جنگ داخلی در سوریه، به ایران این فرصت و بهانه را داد تا وارد معادلات نظامی آن کشور شود. با حضور در سوریه، ایران می‌تواند کریدور زمینی ایجاد کند و از طریق آن به قدرت کنش‌گری‌اش در آن کشور بیفزاید (Uskowi, 2018: 1).

پس از تصرف شهر مرزی سوریه ابوکمال در نوامبر ۲۰۱۷، تهران کنترل یک مسیر مستقیم از ایران را از طریق استان‌های دیالی، صلاح‌الدین و انبار عراق در امتداد فرات تا قائم در مرز سوریه به دست آورد (Steinberg, 2021: 20). سوریه با موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک خود، به دلایلی گوناگون وزن بسیار زیادی به‌ویژه در آینده سیاست خارجی ایران خواهد داشت از جمله داشتن سواحل مدیترانه‌ای که از این طریق مسیر دستیابی ایران به بازارهای شمال آفریقا و اروپا را سهولت می‌بخشد و اینکه هزینه دستیابی ایران به آب‌های اقیانوس اطلس و آمریکای لاتین از طریق دریای مدیترانه را کاهش می‌دهد؛ اما برای اینکه بدانیم اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این مسیر (موسوم به بزرگراه مقاومت) برای ایران چقدر زیاد است، کافی است نگاهی به نقشه جغرافیایی منطقه بیندازیم. ایجاد یک مسیر ترانزیتی از خاک ایران به مقصد بنادر لبنان و سوریه، بدان معناست اگر شرایط مناسب باشد، ایران می‌تواند کالاهای خود را با کمترین هزینه (و بدون عبور از تنگه «باب‌المنذب» و «کانال سوئز») به دریای مدیترانه برساند. ایران با این اقدام به‌نوعی خود را در مسیر پروژه یک کمربند یک راه چینی تعریف می‌کند و می‌تواند از

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۱۵

مزایای این پروژه بهره‌مند گردد. دور از واقعیت نخواهد بود که این پروژه را بتوان ابتکار یک کمربند یک راه ایرانی نام نهاد که سعی در تنوع‌بخشی به مسیرهای ارتباطی اش دارد.



نقشه ۲. مسیرهای ارتباطی زمینی ایران به مقصد بنادر شرق مدیترانه (Adesnik & Taleblu, 2019: 8)

هرچند ایران خودش کشوری در مسیر ارتباطی قدرت‌های بزرگ‌تر قرار دارد. یا این حال برای تکمیل این مزیت ارتباطی ایران نیاز به داشتن متحدانی منطقه‌ای همچون سوریه دارد که مزیت ارتباطی خود را تکمیل و عملیاتی نماید. از آنجاکه سیاست خارجی ژئواکونومی شامل استراتژی برای تسخیر سایر بازارهاست (Scekic et al, 2016: 70); بنابراین شاهد رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی برای تسخیر بازارها و یافتن بهترین مسیرهای ارتباطی هستیم. قدرت‌های نوظهور اقتصادی مانند چین، هند و روسیه ترجیح خواهند داد که کالاهای خود را از مسیر ایران انتقال دهند. هند برای صادرات کالاهای خود به منطقه مدیترانه می‌تواند از بندر چابهار و از مسیر ایران به بندر لاذقیه در سوریه استفاده کند.

چین نیز برای صادرات خود به منطقه مدیترانه و شمال آفریقا و توسعه طرح «یک کمربند، یک جاده» مسیر ایران را ترجیح خواهد داد. ترانزیت کالا از ایران می‌تواند هزینه حمل و نقل را برای کشورها کاهش و همچنین وزن ژئوپلیتیک ایران را افزایش دهد. مشارکت عراق و سوریه و تشکیل یک کنسرسیوم از این سه کشور برای ترانزیت کالا از

شرق به غرب آسیا و از آنجا به اروپا و آفریقا در واقع احیای جاده تاریخی ابریشم بوده و یک تحول بزرگ در تجارت بین‌الملل ایجاد خواهد کرد و منافع آن باعث افزایش امنیت منطقه خواهد شد. اگر موانع دولت عراق برطرف شود و امنیت سپس زیرساخت‌ها تأمین باشد قطعاً مسیر زمینی در عراق، ارزان‌ترین و کوتاه‌ترین راه میان ایران و سوریه است. تمایل ژئوپلیتیکی طبیعی ایران آن است که از عقبه کوهستانی خود به مناطق مسطح بین‌النهرین و شام گسترش یابد (Castro Torres, 2021: 16). کریدور زمینی تهران مدیترانه می‌تواند جدا از کارکرد نظامی و لجستیکی، کارکرد اقتصادی نیز پیدا کند. محور مقاومت باید به سمت همگرایی اقتصادی حرکت کند. پیوندهای اقتصادی می‌تواند نه تنها از تنش‌های منطقه‌ای بکاهد بلکه زمینه تعمیق پیوندهای کنش‌گران محور مقاومت را نیز فراهم کند. حرکت از ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومی توسط بازیگران محور مقاومت می‌تواند آن‌ها را بازیگری قدرتمندتر و منعطف‌تر بدل کند و بر وزن ژئوپلیتیکی آن‌ها را در معادلات آینده منطقه بیفزاید. برای نمونه هرچند سوریه بازار بزرگی نیست و حجم مراودات تجاری ایران و آن کشور پایین است اما اهمیت سوریه فقط به بازار داخلی آن محدود نیست و نباید به آن کشور فقط به چشم واردکننده نگاه کرد بلکه نکته مهم این است که هر کالا که در سوریه تولید نهایی شود قابلیت حضور در کشورهای اتحادیه عرب به‌ویژه جزیره العرب و شمال آفریقا، منطقه اوراسیا و نیز حوزه مدیترانه مانند یونان و... را دارد. همچنین حساسیتی که بر تجارت با ایران وجود دارد برای سوریه متصور نیست؛ بنابراین راهکاری برای عبور از تحریم‌های آمریکا محسوب می‌شود.

۳-۵. مشارکت در پروژه‌های عظیم بازسازی سوریه

درگیری‌های سوریه یکی از پیچیده‌ترین درگیری‌های اخیر تاریخ بشری است. عوامل مختلفی از قبیل تنوع قومی و مذهبی و پیچیدگی ساختار سیاسی و اجتماعی منجر به دشواری قابل توجهی در تحلیل این تعارض و همچنین عوامل خارجی و منطقه‌ای چندجانبه شد که به شدت بر بحران تأثیر گذاشتند (Mohammed et al, 2020: 520). این موضوع سبب تشدید و تداوم بحران برای قریب به یک دهه شده است. تداوم جنگ داخلی

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیک‌ی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۱۷

در سوریه خسارت سنگینی در همه زمینه‌ها بر جای گذاشت.

در بعد اقتصادی نابودی گسترده زیرساخت‌ها در این کشور را شاهد بودیم. برآوردهای متعددی از هزینه‌های بازسازی در سوریه ارائه شده است. به‌طور مثال بانک جهانی پیش‌بینی کرده است که حداقل ۲۲۶ میلیارد دلار لازم است تا سوریه به شرایط عادی بازگردد؛ اما عمده پیش‌بینی‌ها هزینه‌هایی بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ میلیارد دلار را دربر می‌گیرد (Flanders & Delen, 2018: 3). در سوریه داده‌ها و اطلاعات موجود صرفاً بر مبنای درصد فیزیکی تخریب‌ها و تعداد افراد نیازمند کمک در بخش‌های مختلف ارائه شده و در مورد هزینه‌های مالی خسارت‌های ایجادشده نیز صرفاً اطلاعات پراکنده‌ای وجود دارد. داده‌های گردآوری‌شده نیز تا حدود زیادی متکی بر گزارش‌های سازمان ملل، بانک جهانی، یونسف، نهادهای حقوق بشری، تحقیقات و پژوهش‌های نهادهای دولتی، تصاویر ماهواره‌ای و تحلیل رسانه‌های اجتماعی است (پژوهشکده مطالعات فناوری، ۱۳۹۸: ۶).

جدول ۱. خسارات جنگ داخلی سوریه در بخش‌های مختلف (پژوهشکده مطالعات فناوری ریاست

جمهوری، ۱۳۹۸: ۹)

حوزه	میزان خسارت (میلیون دلار)
مسکن	۱۵۴۰۰
سلامت	۵۳۰۰
آموزش	۱۰۰۰۰
میراث فرهنگی و گردشگری	۶۰۰
کشاورزی	۶۰۰۰
بازرگانی و صنعت	۶۰۰۰
نفت و گاز	۸۰۰۰
حمل و نقل	۱۹۹۴
جمع کل	۷۱۲۹۴

سوریه برای بازسازی نیاز به کمک دارد، اما بسیاری از کمک‌کنندگان سنتی بین‌المللی، با نظام سیاسی کنونی حاکم بر سوریه، هم‌سو نیستند. در مورد ایران، این کشور عدم علاقه بین‌المللی به اقتصاد سوریه را فرصتی برای ایجاد نفوذ پایدار در این کشور می‌داند

(Hatahet, 2019: 8). ایران به دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی سعی در ورود به پروژه بازسازی سوریه دارد. از منظر سیاسی حضور در پروژه بازسازی سوریه بر وزن سیاسی تهران در معادلات آتی دمشق می‌افزاید و از نظر اقتصادی امتیازات زیادی متوجه طرف‌های ایرانی خواهد شد.

ایران می‌تواند از نفوذ سیاسی خود برای عقد قراردادهای گسترده با بخش دولتی سوریه استفاده کند، امکان صدور کالا و فناوری برای طرف‌های ایرانی فراهم می‌شود، تجارت خارجی ایران رونق پیدا می‌کند، همچنین می‌توان از بازار سوریه نیم‌نگاهی هم به بازارهای عربی_آفریقایی داشت. به احتمال زیاد ایران حوزه‌های اقتصادی مختلف خود را به مشارکت در بازسازی سوریه با شرایط تجاری تشویق می‌کند تا منابع دولتی بیشتری را برای بازسازی فراهم کند، بنابراین نفوذ خود را افزایش داده و به‌طور بالقوه برخی از سرمایه‌گذاری‌های خود را جبران می‌کند (CRU Policy Brief, 2019: 7).

تفاهم‌نامه‌هایی که تهران و مسکو با دمشق امضا کرده‌اند دو هدف اصلی دارد: هر دو دولت می‌خواهند هزینه‌های شرکت در جنگ را از طریق استخراج منابع و سهم شدن در پروژه‌های سرمایه‌گذاری سودآور جبران کنند. هر دو کشور به دنبال تأمین منافع استراتژیک بلندمدت خود با در اختیار گرفتن پایگاه‌های نظامی و کنترل بنادر، ارتباطات و بخش حمل و نقل آن کشور هستند. هر دو کشور تفاهم‌نامه سرمایه‌گذاری در سوریه امضا کرده‌اند. این دو بر بخش‌های نفت، گاز، مواد معدنی، برق، کشاورزی و گردشگری متمرکز هستند. در برخی موارد، ایران و روسیه بر سر امتیازهای سودآور، بیش از همه برای استخراج فسفات و در بخش نفت و گاز، با یکدیگر رقابت می‌کنند. تهران برای توسعه بندر لاذقیه، ساخت چندین نیروگاه و ایجاد سومین شبکه تلفن همراه با دمشق تفاهم‌نامه‌هایی امضا کرده است. ایران در تحقق پروژه‌های اقتصادی کندتر از روسیه عمل کرده است، اما همچنان به‌عنوان شریک تجاری اصلی و تأمین‌کننده فرآورده‌های نفتی تأثیرگذار است (Asseburg, 2020: 12). سرمایه‌گذاری در بخش انرژی سوریه، به سرمایه‌گذاران ایرانی و روسی اجازه می‌دهد که در ژئوپلیتیک خط لوله سهم باشند و در مسدود کردن یا شکل دادن به پروژه‌های

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیک‌ی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۱۹

آینده نقش‌آفرینی کنند (Hatahet, 2019: 12).

تهران و مسکو حمایت سیاسی مطلوبی برای مشارکت در پروژه بازسازی سوریه دارند اما روسیه و ایران منابع مالی را برای بازسازی سوریه در اختیار ندارند (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۸: ۲). در این بین تنها گزینه کشورهای ثروتمند نوظهور، نظیر چین مطرح می‌شود. دلیل اصلی برای حضور چین در سوریه وجود دارد. اول، حضور شبه‌نظامیان اوغور و تهدید امنیتی آن‌ها در صورت بازگشت به استان سین کیانگ و دوم موقعیت ژئواستراتژیک سوریه در محل تلاقی مسیرهای ارتباطی غرب آسیا با آفریقا و اروپا (Hatahet, 2019: 9). دولت ایران می‌تواند با پیشنهاد تقویت کریدور خاورمیانه طرح کمربند و جاده به سمت اروپا، به دنبال جلب سرمایه‌گذاری بیشتر چین در ایران، عراق و سوریه باشد. در میان مدت، چنین رویکردی می‌تواند به ایران در مقابله با آثار منفی تحریم‌های ایالات متحده کمک کند، طرح کمربند راه چینی همچون شمشیری دولبه برای ایران عمل می‌کند، زیرا با وجود مزیت‌هایش، وابستگی اقتصادی ایران به چین را بیشتر می‌کند (CRU Policy Brief, 2019: 7).

هرچند برخی معتقدند که سوریه تحت رژیم اسد باید از تجربیات بازسازی ایران بعد از جنگ ۸ ساله و همچنین تجربه بازسازی عراق پس از جنگ خلیج فارس در ۱۹۹۰-۱۹۹۱ استفاده کند، زیرا هر دو کشور در مناطق خاصی از کشور ویرانی فاجعه‌باری تجربه کردند (Said & Yazigi, 2018: 8). با این حال، یک تفاوت مهم وجود دارد که باید در چنین مقایسه‌ای مورد توجه قرار گیرد: ایران و عراق همچنان کشورهای غنی از منابع باقی مانده بودند و توانایی تأمین هزینه بازسازی از محل درآمدهای نفتی را داشتند (Said & Yazigi, 2018: 9). از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری در بازسازی سوریه بسیار خطرناک است، زیرا هنوز هیچ توافقنامه صلحی امضا نشده است و هیچ چشم‌انداز مشخصی از اجماع بین‌المللی درخصوص یافتن راه‌حلی سیاسی برای این بحران در دسترس نیست (Said & Yazigi, 2018: 9). از طرف دیگر، مداخله ایران در سوریه برای اقتصاد خود بسیار گران تمام شده است، به طوری که ایران تا اواسط سال ۲۰۱۸ حداقل ۳۰ میلیارد دلار برای کمک‌های نظامی

و اقتصادی از جمله تحویل نفت خام هزینه کرده است.

برای جبران این هزینه‌ها، تهران در طول جنگ از طریق برنامه‌های اعتباری و سرمایه‌گذاری موقعیت غالب را در روابط تجاری سوریه به دست آورد. در طول سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸، قراردادهای متعددی از سوی دولت مرکزی سوریه و سران استانداری‌ها و شهرداری‌ها برای بازسازی زیرساخت‌های برق در مناطق مختلف این کشور به شرکت‌های ایرانی تعلق گرفت (Daher, 2018: 20)؛ اما نشانه‌های واضحی وجود دارد که نشان می‌دهد روسیه و ایران برای اجرای پروژه‌های بازسازی وعده داده شده و تفاهم‌نامه‌هایی که با دولت سوریه منعقد کرده‌اند، تحت فشار قرار خواهند گرفت. مشارکت سایر بازیگران خارجی در بازسازی سوریه با مسائل وسیع‌تری مرتبط است - به ویژه رقابت ایالات متحده با ایران یا تحریم‌هایی که واشنگتن و بروکسل علیه سوریه اعمال کرده‌اند که احتمالاً بسیاری از شرکت‌های خارجی را خواهد ترساند (Daher, 2019: 2)؛ و بالطبع از برنامه بازسازی سوریه کناره‌گیری خواهند کرد.

۶. تجزیه و تحلیل

هیچ‌گاه نه در سیاست‌های اعلامی و نه در سیاست‌های اعمالی جمهوری اسلامی، اقتصاد به‌طور جدی مطرح نگردید و همیشه به‌عنوان متغیر درجه چندم دور نگاه داشته شد. تنها دلیلی که سبب شد رویکرد اقتصادی اندکی مورد توجه قرار بگیرد تحریم گسترده اقتصادی بود که ایران را به مرز ورشکستگی برد و سبب بازبینی در جایگاه و اهمیت اقتصاد در راهبردهای کلان کشور شد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۵). غلبه چنین جهان‌بینی بر سیاست خارجی سبب می‌شود تا اختصاصات ژئواکونومیکی سوریه پدیدار شوند. سوریه در سیاست خارجی ایران همواره بازیگری ژئوپلیتیکی بوده است و نقش عقبه پشتیبان خط مقدم محور مقاومت را ایفا کرده است؛ اما جنگ داخلی در سوریه معادلات پیشین حاکم بر روابط قدرت‌های منطقه‌ای را به هم ریخت و سبب تشدید رقابت‌ها و هم‌آوردی‌های منطقه‌ای شد. ایران نیز با توجه به پیوندهای گسترده‌ای که با سوریه داشت وارد عرصه شد و سعی کرد از حفظ وضع موجود دفاع کند.

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۲۱

هرچند اهمیت سوریه برای ج.ا.ایران همواره در وهله نخست راهبردی و ایدئولوژیکی بوده است، اما بعد از تحریم‌های گسترده بین‌المللی که متوجه اقتصاد کشور و متحدان منطقه‌ای‌اش شد و با درس گرفتن از این تحولات، اقتصاد از اهمیت بیشتری در راهبردهای سیاست خارجی ایران نسبت به قبل برخوردار شد. در این راستا، متحدان منطقه‌ای تهران تنها بازیگران وفادار به تهران نیستند که همواره از سوی ایران پشتیبانی مالی شوند بلکه باید از پیوندهای راهبردی با آن‌ها سعی در کسب منافع اقتصادی و تقویت اقتصادی ایران به‌ویژه در شرایط تحریم نمود.

اهمیت سوریه پساجنگ از منظر ژئواکونومیکی تک‌بعدی و یک‌سویه نیست و ابعاد مختلفی را دربر می‌گیرد. سوریه مکمل جغرافیایی ایران برای رسیدن به بازارهای انرژی جهانی محسوب می‌شود. سوریه به‌عنوان مسیری برای ترانزیت انرژی به اروپا، می‌تواند ایران را وارد بازار انرژی جهانی کند. هرچند در حال حاضر حتی اگر ایران گاز صادراتی داشته باشد، مشارکت آن‌ها در هر خط لوله بین‌المللی به‌دلیل تحریم‌های شدید اقتصادی که توسط ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی اعمال شده است تقریباً غیرممکن است (Ruchir Shah, 2009: 6)؛ اما پس از پایان یافتن دوران گذار کنونی و در یک شرایط پایدار که ایران از بند تحریم‌ها رها گشته باشد و امنیت در بین‌النهرین و شامات مستقر شده است. این مسیر از مطلوب‌ترین مسیرهای انتقال انرژی ایران به بازارهای اروپایی به‌شمار می‌آید. تحریم‌های گسترده بین‌المللی و مشکلاتی که پیش روی تهران جهت واردات و صادرات کالا پدیدار شد، تهران را مجاب ساخت که تلاش کند از مزیت کثرت همسایگان و همچنین اتکا به متحدان منطقه‌اش، راه برون‌رفتی از بحران‌های اقتصادی پیدا کند، در این راستا تهران سعی کرد مشکلات صدور کالا و ورود ارز به کشور را از طرق کشورهای واسطه‌ای حل کند و نفت خود را نیز با واسطه کشورهای دیگر صادر کند. عراق و افغانستان در این برنامه نقش محوری ایفا کردند و سبب شدند از شدت فشار تحریمی بر تهران کاسته شود؛ اما به پیروزی طالبان و به‌مخاطره‌افتادن بازار شرقی و با توجه به اینکه دورنمای مشخصی برای لغو تحریم‌های نمی‌توان متصور شد، ایران باید به دنبال جایگزینی مناسب

باشد. سوریه یکی از مطلوب‌ترین گزینه‌های پیش روی ایران به‌شمار می‌آید و می‌توان گفت شاید هیچ پروژه‌ای به‌اندازه‌ی ایجاد کریدورهای زمینی از خلیج فارس تا بندر لاذقیه سوریه نتواند این مشکل ایران را برطرف نماید. ایران به کمک خطوط ریلی و بزرگراهی که ایجاد خواهد کرد شبکه ارتباطی مطمئنی در دل متحدان منطقه‌ای‌اش ایجاد می‌کند که نه تنها پشتیبانش در شرایط مختلف خواهد بود بلکه خود را در دل پروژه‌های ارتباطی کلان همچون یک کمر بند یک راه چینی تعریف می‌کند و از این طریق می‌تواند بر توان بازیگری تهران در مقیاس منطقه‌ای و جهانی بیفزاید.

از سوی دیگر جنگ داخلی سوریه با وجود تمامی خسارت‌ها و آسیب‌هایی که به دنبال داشت فرصت بی‌نظیری برای کنش‌گری اقتصادی ایران در این کشور فراهم کرده است. ایران قادر است در فرادای جنگ حضور و مشارکت فعالی در پروژه بازسازی آن کشور ایفا کند. برخی از این کشورها مانند عراق و سوریه نیاز به سرمایه‌گذاری عظیمی در زیرساخت‌های خود پس از پایان جنگ دارند، وجود این تقاضا بازار بسیار مطلوبی برای صدور کالاها و خدمات فنی مهندسی شرکت‌های ایرانی خواهد بود. ایران می‌تواند دستاوردهای نظامی و سیاسی خود در سوریه را تبدیل به امتیازات اقتصادی کند. هرچند حضور ایران به در بازار پساجنگ سوریه، با حضور رقبای قدرتمندی همچون ترکیه، قطر، امارات متحده عربی و... که نه تنها توان اقتصادی بالایی دارند بلکه موانع و مشکلات تحریمی ایران را نیز ندارند، همراه خواهد بود؛ اما تهران می‌تواند بخشی از ضعف‌های اقتصادی خود را با نفوذ سیاسی که در هیئت حاکمه دمشق دارد بپوشاند. با وجود بسترهای جغرافیایی برای کنش‌گری اقتصادی ایران در سوریه، اما همچنان موانع اقتصادی و امنیتی پیش‌روی بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها وجود دارد.

۷. نتیجه‌گیری

ایران همواره کنش‌گری امنیت محور بوده است و اقتصاد همواره نقشی حاشیه‌ای در راهبردهای سیاست خارجی‌اش ایفا کرده است، اقتصاد تا جایی اهمیت پیدا می‌کرد که کشور بتواند هزینه‌های امنیتی خود و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش را تأمین کند؛ اما تحریم‌های

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیک‌ی ج.ا.ایران در فضای پسا جنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجبی) ۲۲۳

گسترده بین‌المللی، لاجرم نگاه تهران به مسائل منطقه‌ای و جهانی تا حدودی دگرگون ساخت. همچنان که فروپاشی جنگ سرد و کنار رفتن رقابت‌های ایدئولوژیک شروع توجّه به الزامات ژئواکونومیک در سطح جهان بود، تحریم‌های اقتصادی این نقش را در سیاست خارجی ایران ایفا کرد. تهران متوجّه شد که امکان تأمین امنیت در طولانی مدت بدون وجود پیش‌نیازهای اقتصادی امکان‌پذیر نیست. توجّه به ژئواکونومی به نوعی رویکردی جبرگرایانه و تحمیلی بود که تهران را مجبور به در پیش گرفتن رویکردی اقتصادی برای افزایش قدرت ملی‌اش بود. به تعبیری دیگر کنش‌گری اقتصادی ایران در تلاش برای یافتن روزه‌های برای فرار از تحریم‌ها خلاصه می‌شد. در این بین عراق و افغانستان نقش پررنگی ایفا کردند؛ اما سوریه نیز واجد پیش‌نیازهای ژئواکونومیک گسترده است که می‌تواند بخشی از نیازهای اقتصادی تهران را مرتفع نماید.

سوریه دارای ظرفیت‌های گسترده اقتصادی است که عملیاتی کردن آن‌ها می‌تواند مسیر اقتصادی تهران را تسهیل کند. جغرافیای سوریه بیش از هر فاکتور دیگری می‌تواند در صورت تأمین امنیتش دروازه‌های انرژی اروپا را بر روی ایران بگشاید. سواحل سوریه در دریای مدیترانه می‌تواند بهترین پایانه خروجی برای گاز صادراتی ایران به بازارهای اروپایی باشد. این مسیر جدا از کوتاهی از بین کشورهای محور مقاومت گذر می‌کند و در صورت تحقق یافتن به وابستگی متقابل این کشورها منجر می‌شود و موقعیت آن‌ها را به بهترین نحو تثبیت می‌کند. با این حال مانع اصلی در پیاده‌سازی این پروژه مسائل امنیتی دو کشور عراق و سوریه است که تا به امروز نیز همچنان پابرجا هستند. از آنجاکه از گذشته تا به امروز و حتی آینده قابل تصور، همواره حیات اقتصادی ایران به شیرهای نفت و گاز وابسته بوده است، لذا یافتن مسیرهایی مناسب برای اتصال به بازارهای انرژی جهان، همواره برای رشد و توسعه اقتصادی تهران حیاتی خواهد بود. تشدید تنش‌های اخیر ایران با صفحه ترکی، لزوم یافتن مسیر جایگزین انتقال انرژی را ناگزیر می‌سازد.

موضوعی که در سال‌های اخیر بیش از هر چیزی وزن ژئوپلیتیکی ایران و متحدانش را متأثر ساخته است نه مسائل نظامی و درگیری با ائتلاف‌های گسترده در مناطق مختلف بوده است بلکه مسائل اقتصادی و تحریم‌های گسترده بین‌المللی بوده است. تضعیف ایران

به‌عنوان هارتلند مقاومت، بی‌واسطه دیگر متحدانش را متأثر می‌سازد. البته ایران توانست با کمک برخی از شرکای منطقه‌ای اش بخشی از نیازهای خود را تأمین کند. با این حال تلاش برای گسترش این متحدان برای بحران‌های پیش رو اقدامی مهم و ضروری به‌شمار می‌آید. در این بین سوریه بهترین گزینه است با وجود کوچک‌بودن حجم اقتصاد این کشور، دسترسی به دریای مدیترانه و به‌تبع آن بازارهای اروپایی و آفریقایی، فاصله نزدیک تا مرزهای غربی ایران از مهم‌ترین امتیازات سوریه است. ایجاد کریدورهای زمینی اعم از جاده‌ای و ریلی، از ملزومات پیاده‌سازی این راهبرد خواهد بود. محور مقاومت باید از کریدوری راهبردی به کریدور اقتصادی بدل شود، آنگاه بر توان چانه‌زنی اش در معادلات منطقه‌ای افزوده خواهد شد.

امتیازات سوریه محدود به موارد نامبرده نیست بلکه نیاز این کشور به منابع مالی و فنی برای بازسازی حجم بالای خرابی‌های ناشی از جنگ داخلی، فرصت خوبی در اختیار تهران قرار می‌دهد که بتواند ثمرات اقتصادی مقاومت در سوریه را کسب نماید. ایران در غالب حوزه‌های آسیب‌دیده سوریه از تخصص و دانش و نیروی انسانی ماهر برخوردار است تا بتواند در بخشی‌های همچون نفت و معادن سوریه حضوری فعال داشته باشد. در این مورد ایران از امتیازات سیاسی گسترده‌ای در سوریه برخوردار است اما موانع دست و پاگیری پیش رو داد. به‌طور کلی دو مشکل اصلی در رویکرد ژئواکونومیکی ایران در قبال سوریه کنش‌گری ج.ا. ایران را محدود می‌کند در بحث ایجاد کریدورهای انرژی و ریلی با موضوع امنیت در کشورهای عراق و سوریه مواجه است و برای تبدیل محور مقاومت به قطبی اقتصادی و مشارکت فعال در بازسازی سوریه، با مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی مواجه است که این موارد کنش‌گری تهران در سوریه را باوجود وجود بسترهای اقتصادی مناسب، محدود می‌کند.

References

- Adesnik, D. & Taleblu, B. B. (2019). *Burning Bridge: The Iranian Land Corridor to the Mediterranean*. Foundation for the Defense of Democracies.
- Afzali, R., Dastjerdi, K., Dashti Talesh, H., Mikael, M. H. (2016), investigation and analysis of the geopolitical consequences of the Syrian crisis on the national security of the Islamic Republic of Iran, *Geography*, 14 (50) (in Persian).

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجیبی) ۲۲۵

- Al-Khatteeb, L. J. (2013). The Geopolitics of Natural Gas; Natural gas in the Republic of Iraq, Harvard University's Belfer Center and Rice University's Baker Institute Center for Energy Studies.
- Asimli, V. (2015). Geo-economics. Center for Strategic Studies under the President of the Republic of Azerbaijan.
- Asseburg, M. (2020). Reconstruction in Syria: challenges and policy options for the EU and its member states.
- Bazargan, A. & Pourahmadi Meibodi, H. (2017), Political and security dimensions of supporting Syria in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran (2011-2017), *International Policy Approaches*, 9 (3) (In Persian).
- Blackwill, R. D., Harris, J. & Harris, J. M. (2016). War by other means. Harvard University Press.
- CASTRO TORRES, José Ignacio. (2021), The importance of land corridors (II): Iran's race to the Mediterranean Sea. IEEE Analysis Paper 26/2021.
- CRU Policy Brief, (2019), The geopolitics of Syria's reconstruction: a case of matryoshka, Netherlands Institute of International Relations.
- Daher, J. (2018). The political economic context of Syria's reconstruction: a prospective in light of a legacy of unequal development.
- Daher, J. (2019). The Paradox of Syria's Reconstruction. Carnegie Middle East Center.
- Ezzati, Ezzatullah, Veysi, H. (2016), Geopolitics and Geoeconomics Analysis of Iran-India Gas Pipeline, *Geopolitics*, 2 (1) (In Persian).
- Frankin, D. (2009), the peace that ruined all peaces, translated by Hassan Afshar, Tehran, Mahi Publishing House (In Persian).
- Ghassabzadeh, M. Akhbari, M. & Hassanabadi, D. (2018), Geoeconomic analysis of the Islamic Republic of Iran in the new equations of the Southwest Asia region, new attitudes in human geography, 12 (1) (in Persian)
- Gol Afrooz, M. (2014), The role of geopolitics of energy in the national security of the Islamic Republic of Iran, *World Politics*, Volume 4, No 3 (In Persian).
- Guo, F. F., Huang, C. F., & Wu, X. L. (2019). Strategic analysis on the construction of new energy corridor China-Pakistan-Iran-Turkey. *Energy Reports*, 5, 828-841.
- Hafeznia, M., Ahmadipour, Z., Boyeh, Ch. (2013), Explanation of the factors influencing the formation of geopolitical territories of the Islamic Republic of Iran, *Iranian Journal of International Politics*, (1) (In Persian).
- Hatahet, S. (2019). Russia and Iran: Economic Influence in Syria (p. 3). Royal Institute of International Affairs. <http://www.iiss.org/en/events/geoeconomics%20seminars/geoeconomics%20seminars/archive/2012-4152/a-new-era-of-geo-economics>
- <https://www.scfr.ir/fa/200/123731/%D8>
- Imady, O., Itani, F., van Veen, E. & Almanasfi, N. (2019). Against All Odds: Intricate Dynamics of Syria's Reconstruction. Centre for Syrian Studies (CSS) University of St Andrews.
- Ingrajia, A. P. (2020). Political Implications of Turkey-Qatar Gas Pipeline Construction on European Union Energy Security. *Journal of International Studies on Energy Affairs*, 1 (1), 43-61.
- Itani, F. (2019). Geo-economics. *Syria Studies*, 11 (1), 23-31.
- Jaeger, B. C., & Brites, P. V. P. (2020). Geoeconomics in the light of International Political Economy: a theoretical discussion. *Brazilian Journal of Political Economy*, 40, 22-36.
- Kemp, J. & Harkavy, R. (2013), *Strategic Geography of the Middle East*, translated by Seyyed

- Mahdi Hosseini Matin, Tehran: Research Center for Management Studies (In Persian).
- Lin, C. (2015). Syrian Buffer Zone–Turkey-Qatar Pipeline. ISPSW Strategy Series: Focus on Defense and International Security, Issue, (367), 1-5.
- Mercille, J (2008), The radical Geopolitics of US foreign policy, Geopolitical and Geoeconomics logics of power political Geography, no27(www.jstore.org/stable/19452).
- Mohammed, S. A., Alkerdi, A., Nagy, J. & Harsányi, E. (2020). Syrian crisis repercussions on the agricultural sector: Case study of wheat, cotton and olives. *Regional Science Policy & Practice*, 12 (3), 519-537.
- Moisio, S. (2019). Re-thinking geoeconomics: Towards a political geography of economic geographies. *Geography Compass*, 13 (10), e12466.
- Mojtahedzadeh, P. (2002), Iranian ideas and geopolitical transformations, Tehran, Ney Publishing (In Persian).
- Mokhtari Hashi, H. (2017), explanation of the concept of geoeconomics (geopolitical economy) and recommendations for Iran, *Geopolitics*, 14 (2) (In Persian).
- Moradi, A. & Shahram Nia, A. M. (2014), Syrian Crisis and Regional Security of the Islamic Republic of Iran, *Strategic Political Research*, 4 (15) (In Persian).
- Mousavi Shafai, S. M. & Zamordi Anbaji, Z. (2016), Gas geopolitics and Turkey's intervention in Syria, *Strategic Policy Research*, 6 (22) (In Persian).
- Naji Maidani, Ali Akbar, Rahimi, Gholam Ali (2014), Determining the priority of Iran's natural gas export markets, *Energy Economics Studies*, 11 (46) (In Persian).
- Nerguizian, A. (2012) "U.S and Iranian Strategic Competition", CSIS.
- Nosrati, H. & Moniri, K. (2013), Diplomacy and Energy Security, first edition, Tehran, Entekhab (In Persian).
- Pacion, M. (1985), progress in political Geography. Australia, Croon Helm.
- Pascal, L. & Toal, F. (2002), Geopolitical Keys; Translation: Hassan Sadouq Vanini, Tehran, Shahid Beheshti University (In Persian).
- Pour Ahmadi, H. & Hosseini Karani, S. R. (2008), Geopolitics of the Persian Gulf oil countries and the challenges of economic globalization (Iran, Saudi Arabia, Kuwait, United Arab Emirates, Qatar and Iran) *Geopolitics Quarterly*, 5 (1) (In Persian).
- Presidential Institute of Technology Studies (2018), examining the model of Iran's participation in the reconstruction of the countries affected by the war in Iraq, Syria and Yemen. (in Persian)
- Presidential Strategic Studies Center, (2019), the report of the Syrian research group in the hearing of the US House of Representatives Foreign Affairs Committee (October 16, 2019) (In Persian).
- Pu, X. (2016). One belt, one road: visions and challenges of China's geoeconomic strategy. *Mainland China Studies*, 59 (3), 111-132.
- Ronald C. (2004) trade and diplomacy: the belgium caase, international studies perspective, vol. 5, no.1.
- Ruchir Shah, Intern, Rice University and Ifri Energy program, (2009), The Geopolitics of Water and Oil in Turkey.
- Said, S. & Yazigi, J. (2018). The Reconstruction of Syria: Socially Just Re-integration and Peace Building Or Regime Re-consolidation?. Friedrich-Ebert-Stiftung, Department for Middle East and North Africa.
- Scekic, R., Draskovic, M. & Delibasic, M. (2016). Neoliberalism in geoeconomics: the case of Southeast Europe. *Journal of International Studies*, 9(1).

تبیین فرصت‌های ژئواکونومیکی ج.ا.ایران در فضای پساجنگ سوریه (افشین متقی و سعید رجیبی) ۲۲۷

Steinberg, G. (2021), The “Axis of Resistance Iran’s Expansion in the Middle East Is Hitting a Wall, SWP Research Paper”.

Sutherlin, J. W. (2013). “The Syria Dilemma: a U.S. Led Invasion or a U.N. Sponsored Resolution”. *Journal of International Humanities and Social Science*, (13), 1-10.

Taylor, P. (1994), *political geography*, England, scientific & technical.

Uskowi, N. (2018). *The Evolving Iranian Strategy in Syria: A Looming Conflict with Israel*. Atlantic Council.

